

تأثیر حضرت محمدؐ در موقی جهان اسلام



(قرن بیستم تا پنجم هجری)

نکیسا هدایتی زاده

انتشارات سوره مهر (وابسته به حوزه هنری)



دفتر موسیقی سوره مهر

تأثیر نهضت ترجمه در موسیقی جهان اسلام
(قرن سوم تا پنجم هجری)

پژوهش و نگارش: نکیسا هدایت زاده

چاپ، صحافی و لیتوگرافی: سپهر

چاپ: ۱۳۹۵

ارگان: ۲۵۰۰ نسخه

شابک: ۹۷۸-۶۰۰-۰۰۳-۰۱۵-۰

ن اول و چاپ نخستها مشروط به اجازه رسمی از ناشر است

سرنسب: هدایت زاده، نک - ۱۳۶۰ -

عنوان و ناشر: اثر نهضت ترجمه در موسیقی جهان اسلام (قرن سوم تا پنجم هجری) / نکیسا هدایت زاده.

مشخصات نشر: تهران: شرکت انتشارات سوره مهر، ۱۳۹۵.

مشخصات ظاهری: ۱۰۲ ص.

شابک: ۹۷۸-۶۰۰-۰۰۳-۰۲۱۵-۳

وضعیت فهرست نویسی: فیا

یادداشت: کتابنامه: ص: ۱۰۳-۱۱۲.

موضوع: ترجمه -- کشورهای اسلامی -- تاریخ

موضوع: موسیقی -- کشورهای اسلامی -- تاریخ و د

موضوع: ترجمه -- تاریخ

شناسه افزوده: شرکت انتشارات سوره مهر

رده بندی کنگره: ۳۷۸/۲۲۰۳۴

رده بندی دیویی: ۷۸۰/۲۰۹۷۱۷۱

شماره کتابشناسی ملی: ۴۰۱۶۳۶۶

نشانی: تهران، خیابان حافظ، خیابان رشته پلاک ۳۳

صندوق پستی: ۱۵۸۱۵-۱۱۴۴

تلفن: ۶۱۹۴۲ سامانه پیامکی: ۳۰۰۵۳۱۹

تلفن مرکز پخش: (پنج خط) ۶۶۶۶-۹۹۳ فکس: ۶۶۶۶۹۵۱

www.sooremehr.ir

پیش درآمد — ۹

درآمد — ۱۳

فصل اول — نظریه پردازان قدیم یونان در حوزه موسیقی ۱۹

فیثاغورس و فیثاغورسیان ۲۳

افلاطون ۲۵

ارسطو ۲۶

اریستاگمنوس ۲۷

نیکوماخوس ۲۹

بطلمیوس ۳۰

اریستایدس کویتیلیانوس ۳۱

فصل دوم — نهضت ترجمه —

نهضت ترجمه پیش از اسلام ۳۲

مدرسه اسکندریه ۳۳

مدرسه انطاکیه ۳۴

مدرسه حران ۳۵

مدرسه نصیبین و رها ۳۶

مدرسه جندی شاپور ۳۷

نهضت ترجمه پس از اسلام ۳۸

ترجمه در عصر اموی ۳۹

نهضت ترجمه در عصر عباسیان و تأسیس بیت الحکمه ۴۰

زمینه های این دو شکوفایی نهضت ترجمه ۴۱

مترجمان ۴۲

حنین بن اسحاق بن سلیمان بن ایوب النیسابوری به ابوزید ۴۳

ابو حاتم بن حنین ۴۴

ثابت بن قره ابوالحسن ۴۵

قسطنطین لوقا البعلبکی یا کنستانتین پسر لوکاس ۴۶

یوحنا ابن بطریق ابوزکریا ۴۷

چه علمی و از چه زبان هایی ترجمه شد ۵۰

آثار ترجمه شده نظریه پردازان یونان در زمینه موسیقی در نهضت ترجمه ... ۵۱

پایان نهضت ترجمه ۵۵

پیامدهای نهضت ترجمه ۵۶

فصل سوم — نظریه پردازان مسلمان در حوزه موسیقی — ۵۹

يعقوب بن اسحاق کندی ۶۲

تألیفات کندی در زمینه موسیقی ۶۳

رساله المصوتات الوتر من ذات الوتر الواحد الى ذات العشرة اوتار ۶۴

رساله فی اجزاء خبریه فی الرسیقه ۶۶

الکبری فی خبر تألیف الحان ۷۱

الکبری فی التألیف ۷۲

مختصر الموسیقی فی التألیف النغم و صنایع الود ۷۲

یاس احمد بن طیب سرخسی ۷۳

محمد بن محمد طرخان اوزلغ فارابی ۷۵

لعلوم ۷۶

فی الکبیر ۷۶

الایقاعات ۸۰

ایقاعات ۸۱

خل فی الموسیقی ۸۱

علی حسین بن عبد الله سینا ۸۱

مدخل الى صناعة الموسیقی ۸۲

اللوالحق ۸۲

کتاب الشفاء ۸۲

دانش نامه علانی ۸۶

ابومنصور حسین بن طاهر بن زیله ۸۹

اخوان الصفا ۹۳

فصل چهارم — سخن آخر — ۹۹

منابع — ۱۰۹

پیش درآمد

با آغاز قرن سوم هجری نهضت علمی ترجمه در جهان اسلام شکل گرفت و سبب شد در اندک زمانی حجم گسترده‌ای از کتب علمی و فلسفی از زبان‌های یونانی، سریانی، هندی، و پهلوی به عربی برگردانده شود. بنای این نهضت علمی در دربار خلفای عباسی، به ویژه هارون الرشید (خ ۱۷۰-۱۹۳ ق)، صورت گرفت و در زمان خلافت رشید، مأمون (خ ۱۹۸-۲۱۸ ق)، به اوج خود رسید. بغداد، مرکز خلافت عباسیان، محل استقرار مدرسه‌ای شد به نام «بیت الحکمه»، که در آن عده‌ای از مترجمان مسیحی عرب‌زبان و دانشمندان اسلامی به ترجمه، بحث، و تبادل نظر درباره‌ی این آثار می‌پرداختند.

نهضت ترجمه سبب شد مسلمانان وارث فرهنگ علمی و فلسفی یونان شوند و این زمانی بود که اروپا خود در قرون وسطی به سر می‌برد و تسلط مذهب و کلیسا به گونه‌ای بود که مردم از همه‌ی شئون و دستاوردهای علمی پیشینیان خود بی‌اطلاع بودند. مسلمانان، در این جنبش علمی، نقش ارزنده‌ای در زنده نگه داشتن و انتقال این آثار ایفا

کردند؛ به طوری که، با پیدایش رنسانس، اروپاییان برای برخورداری از علوم گذشته خویش به ناچار به آثار نظریه پردازان مسلمان روی آوردند. (برای اطلاع بیشتر در این باره ← ایلخانی، ۱۳۸۵)

فلاسفه و متفکران اسلامی در بیت الحکمه به ترجمه علوم گوناگون پرداختند و در زمره این علوم موسیقی نیز، به عنوان مبحثی از علوم چهارگانه ریاضیات (حساب، هندسه، نجوم، و موسیقی)، مورد توجه آن‌ها قرار گرفت. در پی ترجمه این آثار، نظریه پردازان اسلامی، نظیر ابواسحاق کندی (ف بعد از ۲۵۶ ق)، ابونصر فارابی (ف ۳۳۹ ق)، اسحاق الصفی (نیمه دوم قرن چهارم هـ)، ابن سینا (ف ۳۷۰ ق)، و ابن زیله (ف ۴۴۰ ق)، بحث علم موسیقی زمان خود را با مبانی نظری موسیقی یونان مطابقت دادند و آن را با بینش‌های جدیدی ارائه نمودند. البته، برخی از مترجمان این آثار، همچون حنین بن اسحاق (ف ۴۰۰ ق)، اسحاق بن حنین (ف ۲۹۸ ق)، قسطنطین لوقا (ف ۳۰۰ ق)، یوحنا بن بطریق (ف ۱۰۰ هـ)، ثابت بن قره (ف ۳۶۵ ق)، نیز از مبانی این علم بی اطلاع نبودند و حتی در این زمینه به تألیفات پرداختند.

امروزه، بر اساس فهرست‌هایی که در همان زمان افرادی چون ابن ندیم (ف ۳۸۸ ق) در الفهرست، ابن قفطی (ف ۶۴۸ هـ) در تاریخ الحکماء، و ابن ابی اصیبعه (ف ۶۶۸ ق) در عیون الاتباء فی طبقات الاطباء ثبت کرده‌اند می‌توان به آثار نظریه پردازان یونان در زمینه علم موسیقی، که به زبان عربی ترجمه شده است، دست یافت.

شایان ذکر است در همین موضوع از یکصد و پنجاه سال قبل پژوهش‌ها و تحقیقاتی انجام شده و شماری از مستشرقان و موسیقی‌شناسان، مطالعه در این حوزه پرداخته و برخی از رسائل باقی‌مانده را تصحیح و بررسی نموده‌اند.

از نخستین افرادی که به رسائل ترجمه‌شده یونانی به عربی در بار موسیقی توجه نمودند و در این زمینه مطالعات و پژوهش‌هایی انجام دادند می‌توان به بارون کارادووا، محقق فرانسوی، اشاره کرد. وی به سال ۱۸۹۱ کتاب ساعات آلات الماء یا کتاب فی عمل بنکامات ارشمیدس را مطالعه و تلخیصی از آن را به فرانسه منتشر کرد (Carra de Vaux, 1891 a). همچنین، رساله صناعه الزامر و عمل آلات الزامر آپولونیوس پرگایی را در سال ۱۸۹۱ (Ibid: 307-311) و رساله ایرن به نام کتاب الخیال الروحانیة را در سال ۱۸۹۳ در *Journal Asiatique* به فرانسه برگردانده است. (Idem: 1893)

از دیگر تحقیقات وی می‌توان به کتاب فی الخیال الروحانية و مخانيقا الماء اثر فیلون، که در سده سوم به عربی ترجمه شده، اشاره کرد. این کتاب در شهر پاریس به سال ۱۹۰۲ با ترجمه فرانسه چاپ شده است. کارادوو رسائل مورسطوس را، که درباره ارغنون نگاشته شده، نیز به فرانسه برگردانده و به چاپ رسانده است. (Idem: 191)

از پژوهش‌های دیگری که در این زمینه انجام شده می‌توان به رسائلی اشاره کرد که ایلهارد ویدمان^۱ به آلمانی برگردانده است. وی کتاب ساعات آلات الماء، منسوب به ارشمیدس، را در سال ۱۹۱۷ به آلمانی درآورده است (Wiedeman, 1917: 140-166). همچنین رساله‌های منسوب به مورسطوس درباره ارغنون، رساله صنعة الرغن البوقی، رساله صنعة الزامر آبلونیوس پرگایی، و کتاب الجبلج صیاح را در سال ۱۹۱۸ در لایپزیک ترجمه کرده است (Ibid: 155-157). شایان ذکر است لوئیس شیخو رسائل مورسطوس را در سالهای ۱۹۰۶ تا ۱۹۰۹ در مجله المشرق به چاپ رسانده است. (Cheikh, 1906: 18-22)

در یک قرن اخیر، بی‌تردید، مترجم برج فارس^۲ مهم‌ترین پژوهشگری است که در حوزه موسیقی مشرق‌زمین و جهان اسلام مطالعه و پژوهش کرده است؛ مقالات او در این زمینه از جایگاه ارزنده‌ای برخوردار است. به طور خاص، مقاله وی با عنوان «Greek Theorists of Music in Arabic Translation» در این زمینه بسیار بااهمیت است و اطلاعات درخور توجهی از رسالات ترجمه شده یونانی به زبان عربی به دست می‌دهد. وی در این مقاله بیان می‌کند که اروپائیان، به‌رادر مواردی اندک، آن‌هم به طور پراکنده به واسطه آثار مارتیانوس کاپلا، بوئتیوس، کاتالودوروس، و ایزیدور سویلی از آثار نظریه‌پردازان یونانی در زمینه موسیقی آگاهی‌یافته‌اند و اطلاعات دقیق به واسطه مسلمانان به آن‌ها منتقل شده است و از رسائل اریستاکسنوس^۳ از طو، اقلیدس، نیکوماخوس، و بطلمیوس اطلاع نیافته‌اند.

در سال ۱۹۶۶، فرانز رزنتال^۴، مستشرق برجسته، طی پژوهشی در نسخ خطی کتابخانه مغنيسا (مانيسا)، دوساله از هفت رساله موجود در زمینه موسیقی را به چاپ رساند؛ این رسائل عبارت‌اند از: «تحقیقی در باب قول علی اللحن و صنعة المعازف و مخارج الحروفه اثر اقلیدس و عنصر الموسیقی و ما علیه الفلاسفة من ترکیبه و مایته، اثر بولس. (Shiloah, 1979: 249)

1. E. Wiedeman

2. Henry George Farmer

3. F. Rosental

از دیگر تحقیقاتی که به رسائل موسیقایی پرداخته و طی نهضت ترجمه به عربی برگردانده شده است می‌توان به آثار شیلوا^۱ اشاره کرد. وی به طور خاص در اثر *The Theory Of Music In Arabic Writing* فهرستی کامل همراه با جزئیاتی از آثار موسیقایی برجای مانده به زبان عربی ارائه می‌کند. همچنین، ایلهارد نویباور^۲ نیز در این زمینه تحقیقات درخور توجهی انجام داده است. به طور خاص، ترجمه وی از اثر اقلیدس، با نام سکینو کانونیس^۳، بسیار حائز اهمیت است.

در کتاب حاضر نیز نگارنده سعی کرده به آثار موسیقایی‌ای بپردازد که طی نهضت ترجمه، در قرن سوم تا پنجم هجری، به عربی ترجمه شده است و افرادی چون ابن ندیم، ابن قتیبه، و ابن ابی اصیبعه آن کتب را مشاهده و ثبت کرده‌اند. از این رو، نگارنده نخست به مطالعه آثار یونانی پرداخته و بیان کرده که هر یک از این آثار زیرمجموعه کدام یک از مکاتب موسیقایی یونان بوده است. گام بعدی مطالعه نهضت ترجمه و بررسی آثار موسیقایی است که در این نهضت به عربی ترجمه شده است. سپس، به جایگاه موسیقی در طبقه‌بندی علوم نظریه پردازانه اسلامی پرداخته و بیان شده کدام یک از نظریه پردازان اسلامی به آثار ترجمه شده در طی این نهضت توجه کرده‌اند. و در خاتمه، با استناد به شواهد ارائه شده، بیان شده چه مباحثی از آثار موسیقی یونان به موسیقی جهان اسلام راه پیدا کرده است.

در اینجا لازم می‌دانم از استادان بزرگوار، جناب آقای دکتر امیرحسین پورجوادی و جناب آقای رضا مهدوی، به نیکی یاد کنم و سپاس بی‌پایانم را به خاطر تمام حمایت‌های بی‌دریغشان تا به همیشه همراهشان گردانم. و همین‌طور تشکر از جناب آقای سید عبدالرضا موسوی طبری برای مطالعه و نگارش مقدمه بر این کتاب.

کیساهدایت زاده

تیر ۱۳۹۱

1. A. Shiloah

2. E. Neubauer

3. *Sectio Canonis*

درآمد

به نگارنده از سوی صاحب امری تکلیف شده است تا این اثر قلیل الحجم کثیر الفایده مقدمه ای بنویسد. چون امثال امر آن بزرگوار بر بنده فرض است بر آنست از زیر بار این وظیفه دشوار شانه خالی کند؛ و گر نه خدا گواه است که از هم آغوش عری شرم بر جبین دارد. فرمودند به تقریظی اکتفا شود. تقریظ، در لغت، ستودن مکتوب کسی را و تصدیق نوشتن بر آن است. نگارنده البته پروایی از تمدیح و تحسین متن حاضر ندارد؛ اما قطعاً خود را در مقام مصدق نمی بیند. به معرفی متن و ماتن هم نمی تواند دل خوش کند، زیرا گفته اند معرف اجلی از معرف باید و نگارنده را به پریشان نویسی خود این گمان نیست. لذا از خواننده ارجمند عاجزانه تمنا دارد این چند سطر را جز به حساب اطاعت امر دوست نگذارد.

... بحثی که در این کتاب طرح شده است، به یک اعتبار، برای اهل فن تازگی ندارد. پیش از این کسانی از طرفین ماجرا، اعنی غرب و جهان اسلام، در خصوص آن مطالبی

گفته و نوشته‌اند. اما هیچ‌یک به این تفصیل و ترتیب نبوده است. آنچه اهمیت دارد و ضرورت شرح و بسط این بحث را برای ما آشکار می‌کند آگاهی از این مسئله است که اثبات یا انکار موضوعات مناقشه‌برانگیزی از این دست کاری است نسبتاً آسان و البته باب طبع جاهلان. اینکه بگوییم موسیقی جهان اسلام متأثر یا حتی مقتبس از یونان است یا نیست مدعای عالمانه‌ای نیست. همه می‌دانیم، فی‌المثل در همین سرزمین، موسیقی سابقه‌ای چند هزار ساله دارد و در ازمنه‌ای دور تا فرارسیدن عصری در تاریخ دوره اسلامی، که نهضت ترجمه در آن پا گرفت، میان ایران و غرب به تهاجم و تخاصم و سیاست تجارت هزاران دادوستد فرهنگی رخ داده است. آنچه لازم است و همواره شایسته توجه و تحقیق، شناخت این تأثیر و تأثر، مشخص کردن حوزه‌ها، و تعیین حدود و ثغور آن است.

ملتفت باشیم که کسی کاهل علاقه‌مندند تکلیف هر موضوع قدیم و وسیع متلون متشعب تاریخی را در یکی دو سه خط منتهی به شن کنند. بعید نیست با کسی از این گروه طرح مسئله کنید و پاسخ بشنوید:

ما را برون ز حکمت یونان چه هست؟

تقلید مکیان و قیاسات کوفیان

اما باید توجه داشت لااقل در حوزه موسیقی با وضعی متفاوت از آنچه حکیم انوری ابیوردی فرموده است روبه‌رویم. اگرچه در حوزه حکمت و فلسفه هیچ‌کس نمی‌تواند شأن فارابی و ابن‌سینا را تا حد یک مترجم متون یونانی تقلیل دهد، از نظر دور نمی‌داریم که با ورود سپاه اعراب به ایران آثار مکتوب ما از میان رفت، اما موسیقی، که برخلاف علوم دیگر در ذهن و زبان مردم ساری و جاری بود، نمی‌توانست با آتش جهل به کلی محو شود. و چنان که می‌دانیم و فارابی نیز متذکر شده «و صناعة الموسیقی النظریه متأخره بالزمان تأخر اکثرها عن صناعة الموسیقی العملیه». یسی موسیقی نظری به فاصله‌ای بعید از پدید آمدن موسیقی عملی به وجود آمد. تفصیل و توضیح این عبارت آن است که موسیقی عملی همچون زبان است و موسیقی نظری به مانند دستور زبان که از زبان استخراج شده و البته سال‌ها و بلکه قرن‌ها پس از به وجود آمدن زبان به تحریر درآمده و صورتی مدون یافته است. ناگفته پیداست که فی‌المثل با معدوم ساختن کتب دستور زبان هیچ زبانی محو و نابود نمی‌شود.

از سویی دیگر، بنا به گزارش فارابی، مؤلفان آثار موسیقی در یونان غالباً خود در

عملیات این فن سر رشته‌ای نداشته‌اند و اگر چه باز، به قول فارابی، این امر چیزی از ارزش کار آن‌ها نمی‌کاهد، قدر مسلم حوزه تأثیر و نفوذ آرای ایشان را بیشتر به موسیقی نظری محدود می‌کند:

شواهدی در دست است که بسیاری از نظری‌دانان قدیم گوش ورزیده‌ای برای شناختن نغمه‌ها و آهنگ‌ها و ساخته‌های موسیقی طبیعی نداشته‌اند؛ چنان که نظری‌دان معروف و صاحب نظر، بطلمیوس، تعالیمی در کتاب موسیقی خود اعتراف می‌کند که بسیاری از ملایمات کامل را احساس نمی‌کرده است و هنگامی که قصد امتحان آن‌ها را داشته از موسیقی‌دان ورزیده‌ای می‌خواسته است که آن‌ها را برای او آزمایش کند. همچنین، تاسطیوس، فیلسوف مشهور و از رجال مکتب ارسطو و متبحر در عقاید او، در این مورد چنین گفته است: «از آنچه در تحصیل ریاضی آموخته‌ام می‌دانم که نفسانی که فروض نامیده می‌شود با نغمه موسوم به وسطی ملایمت کامل تشکیل می‌دهد؛ اما گوش من، به سبب کمی تمرین، آمادگی تشخیص آن را ندارد.» مفرع، دست‌باز نخستین وتر عود، به نام بم، است و نغمه وسطی با انگشت اول بر مثنی (وتر سوم عود) ایجاد می‌شود. این دو نغمه کامل‌ترین ملایمات (بعد هشت تن) را می‌سازند و کمتر کسی است که ملایمت آن دو را احساس نکند. اما تاسطیوس می‌گوید که آن را از لحاظ نظری می‌داند؛ اما گوشش قادر به تشخیص ملایمت آن دو نیست. و این اعتراف چیزی از ارزش این دانشمند نمی‌کاهد. (المو بقیه، تیسیر، ترجمه و شرح به فارسی: مهدی برکشلی، سروش، ص ۵۶)

وانگهی در مواردی هم که این نظریات رسوخی در موبقی اهل مسلمان می‌یافت کمتر بخت آن را داشت تا جایی میان عموم اهل فن و بالطبع موبقیان فارابی، در کتاب موسیقی کبیر، ضمن بحث از نغمه‌های متجانس به اختلاف موسیقی‌دانان یونانی مآب و موسیقی‌دانان سنتی اشاره‌ای مفید دارد:

از میان آنان که خواسته‌اند شمار تمام نغمه‌هایی را که در دور دوم دارای جواب‌اند در کتاب‌های خود بیاورند پیشینیان نظری‌دان یونانی و نظری‌دانان نزدیک به زمان ما را از کشورهای عرب باید نام برد. بین اینان بعضی از قدمای یونانی پیروی کرده‌اند و برخی گفته‌های آنان را هیچ مد نظر قرار نداده‌اند، بلکه چون دارای گوش ورزیده و آشنا به آهنگ و اغلبشان موسیقی‌دانان قابل و در عمل نیز نوازندگان ماهری بوده‌اند به گوش خود اعتماد کرده‌اند و آنچه از راه غرایزشان تشخیص داده‌اند ثبت کرده و صحیح

پنداشته‌اند. آنان نیز از این راه به همان نتایج رسیدند و سه نوع جنس را تشخیص داده‌اند که شرح آن گذشت.

و این موسیقی‌دانان در آنچه گفته و نوشته‌اند از آنان که در زمان ما از نظری‌دانان پیشین پیروی کرده و گفته‌های آن‌ها را بازگو کرده‌اند به حقیقت نزدیک‌تر شده‌اند. آنان نه دارای گوش ورزیده برای تشخیص آهنگ‌ها بوده‌اند و نه دانش قدیمی‌ها را در این باب داشته‌اند. در این صورت اگر اینان در این باره چیزی گفته، شمارشی کرده، و در کتابی ثبت کرده‌اند، روشن است که چیزی را نگاشته‌اند که نه دلایل آن را شناخته‌اند و نه موضوعی را که به خاطر آن آن‌ها را نوشته‌اند. و تنها به سبب اعتمادی که به گفته‌های پیشینیان داشته‌اند آن‌ها را ثبت کرده‌اند. (همان: ۲۸)

این هم را ننویسند و نگفتیم تا منکر تأثیر مؤلفات یونانی در موسیقی جهان اسلام شویم. بی‌شک ستون سرّی در نهضت ترجمه پایه‌های تدوین و تبویب موسیقی نظری در جهان اسلام را تشکیل داده‌اند. میراث مکتوب بزرگان موسیقی ما مشحون از نام‌های یونانی و نظریات ایشان است. (بیم تصدیق و تکذیب). و انکار این همه کار جاهلان متعصب است. نگارنده تنها تذکار این نکته را برای خود ضروری دید که مسئله مسئله‌ای ظریف است و به قول حضرت حافظ: «رار نکته باریک تر ز مو اینجاست». بنابراین، باید دقت کرد تا دآوری‌ها و اظهارنظرها در این عرصه منصفانه و عالمانه صورت گیرد. مجموعاً نقش جهان اسلام (و نه لزوماً ما) در این دوره به «دایگی» تعبیر شده است - که تعبیر درستی است. جهان اسلام به‌واسطه ارتباطی از زمان برای علوم غربی، که عمدتاً زائیده ذهن و زبان یونانیان بود، نقش دایه، پهلوان و دلسوز را ایفا کرد. این فرزند با همت و علاقه دایه تغذیه شد، بالید، و پس از مدتی به امان مادر بازگشت. به تعبیری دیگر، می‌توان گفت در دوره‌ای علوم غربی نزد ما به «دایه» داده شد. ما نه تنها از این امانت به‌خوبی صیانت کردیم و از آن چیزی نکاستیم، بلکه چیزهایی بر آن افزودیم و به صاحبش بازگرداندیم. نیک آگاهیم که غریبان در قرون بعد به بسیاری از متون یونانی دسترسی نداشتند و برای آگاهی از مبانی و مطاوی اندیشه گذشتگان خود متن‌های مترجم عربی را بار دیگر ترجمه کردند و این مسئله محدود به متون موسیقی یا فلسفه و طب هم نیست. در هر حال، آنچه در این کتاب آمده طرح مسئله مهمی است که بر سر آن مناقشات بسیار بوده و هست.

سرکار خانم نکبسا هدایت‌زاده، که پیشه‌ای مناسب نامش یافته و در حوزه موسیقی

پژوهش می‌کند، در این اثر گام نخست را به دقت و متانت برداشته و به دور از تعصب با شیوه‌ای محققانه و منصفانه به موضوع پرداخته است. آنچه ایشان در این حجم مختصر متذکر شده تنها معرفی کتبی است که طی نهضت ترجمه در قرن سوم تا پنجم هجری از یونانی و سریانی به عربی ترجمه شده و افرادی چون ابن ندیم، ابن قفطی، و ابن ابی‌اصیبیه آن را مشاهده و ثبت کرده‌اند. در گام‌های بعدی امیدواریم شاهد توسیع منابع و نیز رجوع به مآخذ پیرامونی باشیم. یعنی در ایضاح زوایای تاریک این بحث تنها به کتاب‌های نظری موسیقی اکتفا نشود و گنجینه‌هایی همچون الأغانی ابوالفرج اصفهانی را نیز پیش چشم برآورد و مآخذ و محاجات بزرگان موسیقی عملی جهان اسلام، که بعضاً مرتبط با همین موضوع است، جست‌وجو و تحلیل شود.

والحمد لله علی کل حال

۲۲ شهریور ۱۳۹۳ هجری شمسی

سید عبدالرضا موسوی طبری